

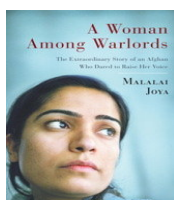
سخنی کوتاه با سارا نیکو

(هوا دار و یا فعال سیاسی " سازمان چریک فدایی خلق ایران ") !

بعد از عرض سلام و احترامات بی غل و غش و عاری از توقع به شما و سازمان رزمنده و نامور تان، اینک از متن نوشته تان درج شده در سایت گفتمان چند جمله آنرا برگزیده در زیر باهم یکجا بازخوانی می نمائیم :

» سارا نیکو

25 نوامبر 2009



» ملالی جويا "زنی در میان جنگ سالاران" «

"مردم افغانستان همواره از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران الهام می گیرند،"

در قسمت پایانی مراسم از فرصتی کوتاه استفاده کردم و با آگاهی از احترام و ارزشی که ملالی همواره به رفیق اشرف دهقانی داشته دو عدد از کتاب های رفیق اشرف دهقانی به نام های "در جدال با خاموشی" و "بذرهای ماندگار" را به ملالی هدیه دادم. برایم باور کردنی نبود وقتی دیدم که او با دیدن اسم اشرف دهقانی بر روی کتاب ها با شور و هیجانی غیر قابل توصیف ، آن کتاب ها را بوسید و بعد در فضائی که بوجود آمد ما با بغضی که حاصل سالها ستم بر مردمان بود یکدیگر را در آغوش گرفتیم . ملالی با محبتی خاص از اینکه یکی از بزرگترین آرزوهایش دیدار با اشرف دهقانی است میگفت و از اینکه این زن مبارز چه تاثیر شگرفی در زندگی مبارزاتی او داشته است، صحبت کرد.

" کتاب حماسه مقاومت اشرف دهقانی به طور مشخص تاثیر شگرفی بر من گذاشت. نویسنده، این کتاب را به منظور افشای جنایات در زندانهای مخوف ایران نوشت. زندانهایی که او و کسان دیگری به عنوان زندانی سیاسی در آنجا بسر می بردند. پایداری و مقاومت اشرف دهقانی در شرایط سخت و بی عدالتی ، همواره مشوق من بوده است. " «

بی مورد نخواهد بود، هرگاه از خوانندگان محترمانه بخواهم که این نگاشته پراکنده و خالی از روش و قواعد نقد و انتقاد (بواقع نه نقد است و نه انتقاد، فقط یاد آوری دوستانه است) را بی طرفانه مطالعه نمایند. ببینند تا چه حد بیان واقعیت است و تا چه حد خالی از انعکاس واقعیت، یعنی خالی از (حقیقت) که خو بازتابی است از واقعیت و عینیت و (ابژه).

من در جوانی (حال 54 سال دارم) به "جریان دموکراتیک نوین افغانستان" که ارگان نشراتی آن "شعله جاوید" نامیده می شد، علاقمند بوده ام و هم اکنون نیز به سازمان های که زاده همان جریان اند و هر کدام به شیوه خاص خودشان می رزمند، علاقمندم.

از آنجایی که کشورم توسط امپریالیزم امریکا و هم پیمانانش اشغال شده و هم وطنانم توسط ارتش آنها هر روز و هر ساعت و هر دقیقه بنام طالب کشته میشوند، زندانی میگردند، در زندان هایی تحت فرمان امریکا بطرز وحشیانه ای شکنجه می شوند و مورد تجاوز قرار میگیرند، با آنکه کدام مبارزه ارکانیک و تشکیلاتی بر ضد اشغالگران و جنایتکاران خلق و پرچم و جهادی و طالبی ندارم، ولی بخودم حق میدهم که در باره زادگاهم و خلق های مظلوم آن و شرایط موجود و... و... ابراز نظر نمایم. و آنانی را که با نیت پاک و نیک (چون جويا جان) به بیراهه روانند متوجه سازم.

حالا ما مسن ها، باید حرف دل خود را با **سارا جان نیکو** که از نوشته اش پیداست که از زمره هوادان ویا شاید هم از جمله فعالین "سازمان چریک های فدایی خلق ایران" میباشد، در میان بگذاریم، همچنان با **ملالی جان جويا** که می فرماید: "**... در شرایط کنونی، نسل پیشین خسته از مبارزه و نا امید از امکان بوجود آمدن تغییرات واقعی تلاش میکنند که من را به سکوت و تحمل وادارند...**" .

سارا جان نیکو! "سازمان چریک های فدایی خلق ایران" که دارای نام با عظمت در عرصه سیاست طبقاتی ایران و میدان نبرد با ددانی مثل شاه پیشین ایران و خمینی جلاد عامل امپریالیزم غرب - و خامنه ای جنایتکار برادر تنی و سکه متوفی گندیده تفکر - این دو مظهر ارتجاع و ساطور دست خون آلود امپریالسیم جهانی - میباشد و حال هم در همین بستر خونین به خاطر آزادی ایران از یوغ و اسپار و زنجیر و زولانه سرمایه دلال و سرمایه امپریالیستی و ارتجاع وحشی و طبقه حاکمه کشورشان دلیرانه می رزمند و یگانه سازمانی بودند و هستند که در همان وهله نخست انقلاب ۵۷ خمینی و رژیم اشرا علماً شناسایی کرده وی را به حیث عامل

امپریالیسم با شال و شمایل و عبا و قبای آخوندی به مردم ایران و جهان معرفی کردند . اشرف دهقانی خود یک تن از پیشگامان این سازمان در همان وهله اول انقلاب، دار و دسته خمینی را لبه دیگری تیغ تازه تیز شده امپریالیسم بر گلوئ مردمش خواند و این جنایتکار بی عقل و مزدور را در سطح کشور و خارج از آن بیرحمانه افشا نمود ، هرگاه به این اسطوره راستین مقاومت مردم دلیر ایران، کدام "مدال شجاعت" (از همان مدال های به اصطلاح "شجاعت" که از طرف بروکراتان و فرهنگیان و سیاست سازان امپریالیستی برای جويا جان داده شده) از جانب کدام نهاد به اصطلاح "شجاعت پسند" و در ظاهر چپ غربی، برای ایشان هم فرستاده شود . به باور اینجانب، و به باور تمامی مبارزین راستین و آگاه، وبه باور مردم با شهامت و آزادی خواه ایران، این رزمنده بی همتا با یک نگاه هویت و ماهیت آن سکه ناچل امپریالیستی را تشخیص داده ، نخواهد گذاشت که آن مدال "طلایی شجاعت" را، حتی کودک خورده سال همسایه خانه اش از میان خاک روبه کوچه بر داشته، زیب گردن بازیچه گک "رامبو"یی اش سازد ، چه برسد به اینکه آنرا آویزه یی زبان رسا و گویای سایت زرین و آتشین اش سازد .

سارا جان ، شما باید به ملالی جويا می گفتید : نه ، اینطور نیست که شما می گوید: "مردم افغانستان همواره از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران الهام می گیرند « . درست است که مردم افغانستان از مبارزات مردم دلیر ایران و کمونیست های اسطوره آفرینش در سالهای " دهه دموکراسی " شاه افغانستان آموخته اند، ما چپ ایران همچنان از مبارزات مردم و چپ افغانستان که تجربیات پر بهای جنگ مقاومت ضد اشغالگران سوسیال امپریالیسم شوروی را در یک دهه جنگ مسلحانه، در کوه و کمر و لبه پرتگاههای هولناک و دشت های سوزان، در شهرها و دهات و قراء و قصبه ها و روستا ها و در گرما و سرمای کشنده کوهستانهای سر به فلک کشیده، و در داخل و خارج افغانستان، همچنان تجربیات مبارزه بر ضد دیکتاتوری سرداران خانواده نادر غدار و دولت وابسته کودتای منحوس ۷ ثور ۱۳۵۷ خلق و پرچم، و دوران یک دهه پیگرد و زندان و شکنجه و اعدام و کشتار های دسته جمعی ده ها هزار تن مبارز در جبهات جنگ مقاومت، و در زندان های افغانستان توسط باند خلق و پرچم و رویا رویی با بنیاد گرایان جاهل را پشت سر گذاشته اند. خواهر مبارزم جويا جان ! این آموزش متقابل بوده، نه یک جانبه .

سارا جان ! شما باید از ملالی جويا می پرسیدید که : خواهر عزیز ، ما به خاطر چاپ کتاب " در جدال با خاموشی" رفیق اشرف با هزار و یک مشکل چند پولی از این رفیق در این کشور و از آن رفیق در کشور دیگر جمع و جور کردیم و بعداً آنرا هزینه طبع و نشر آن نمودیم ، شما از بودجه کدام مؤسسه امپریالیستی پول بدست آوردید که کتاب تان را طبع و بروی میز مجلل تالار پرشکوه کنفرانس کشوری که هم اکنون مردم تان و خانه های آنان را با بمب و راکت منفجر می نماید، گذاشتید . سارا جان، نکند جواب این حاضرجواب این بوده باشد که از "ملل متحد" بدست

آوردیم ؟ اگر پول گزاف چاپ آنرا "ملل متحد" دو دسته هم تقدیم کدام مطبعه امپریالیستی نموده باشد، آخر خواهر جان "ملل متحد" یک مؤسسه کل نظام امپریالیستی جهانی می باشد . این مؤسسه کدام تافته پی جدا بافته نیست . این مؤسسه بر تمامی تجاوزات و لشکرکشی های امپریالیزم امریکا از تاریخ شکل گیری اش تا به امروز مهر تایید زده

ساراجان، شما از ملالی جویا جان که در هنر تحریک عاطفه و بر انگیزتاندن احساس همبستگی عناصر مبارز نسبت به "کارکرد" هایش تجربه کافی اندوخته، سوال می کردید که شما در مصاحبه های تان یک بار گفتید که راه حل معضله کشور تان جنگ و سلاح نیست یگانه راه، راه مذاکره و مفاهمه است . حالا چگونه بر کتاب کسی که مبارزه مسلحانه را یگانه راه اصولی برای سرنگونی (شاه در آن وقت) و هم اکنون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی وابسته به امپریالیسم و در تمام دورانی که طبقات حاکمه بر سر قدرت اند ، میدانند ؛ بوسه می زنید .

از جویا جان می پرسیدید، زمانی که از شما سوال شد که اگر طالب نباشد پس کی باشد شما گفتید : " نیروی مترقی و روشنفکران وجود دارند " این به مفهوم آنست که اینجا ما هستیم (اشاره تان به آنانی که خط دهنده را مبارزاتی شماپند) اخوان جاهل و قاتل و نوکران روس را دور بیاندازد و ما را بقدرت برساند که از شر مخالفت لفظی ما هم خلاص شوید و بگذارید که ما زیر رهنمود های ملل متحدی شما چسان خرابه ای بنام افغانستان را گل و گلزار میکنیم . هر کی اگر زره ای هم عقل و خرد سیاسی داشته باشد، اصل و مفهوم هدف تان را از همین جمله تان بیرون میکشد . در رادیوی خطاب هم چنان در رادیوی افغانان در کانادا چنین صحبت هایی کردید . تا یکسال پیش " اشغال" را در مورد کشور تان رد می کردید در رادیوی C B C کانادا طی گفتگوی تان که از طریق اینترنت هم پخش گردید اشغال کشور تان توسط اشغالگران را رد کردید. آیا نوسانات در گفتار تان ناشی از سر درگمی تان در امر بیرون رفت از بن بست ای که امپریالیزم امریکا در کشور تان بوجود آورده، نیست ؟ و یا اینکه نبض شوندهگان تانرا در دست دارید و مطابق شرایط حرف می زنید ؟

سارا جان ، شما از وی می خواستید که با کدام پشتوانه مادی معنوی در برابر چشم ده ها کمره مخفی و علنی بر کتاب یک کمونیست شناخته در سطح جهان، که با فرار تاریخی اش از زندان یک تن از اعضای برجسته سازمان C I A (شاه ایران)، بدترین و زشت ترین توهین را به آن سازمان و فرماندهان امپریالیست اش روا داشت ، بوسه می زنید و از وی با چشمان اشک آلود به ستایش بر می خیزید .

از این دختر شجاع (با صداقت باید ابراز نمایم که من به شجاعت وی باور دارم ، اما این تنها کافی نیست با مشی نادرست و ضد انقلابی و چشم بسته و با نیت پاک و نیک آدم نا آگاه سر انجام به پرتگاه سرنگون میشود) می پرسیدید که با کدام شیوه روانشناختی بر من اثر گذاشتی که من به گفته هایت درمورد صمد بهرنگی و اشرف دهقانی دچار تلام عاطفی و احساسی شده این نوشته تاییدی را در مورد تو ... رقم زدم ؟

از جویا جان می پرسیدید : آیا علتش این نبود که تو **با شور و هیجانی غیر قابل توصیف ، آن**

کتاب ها را بوسید" ی و با ستایش از حماسه مقاومت ایران اشرف دهقانی و کارکرد های

انقلابی صمد بهرنگی، عاطفه خواهرانه ام را برانگیختی که در باره ات از روی احساسات بنویسم تا نوشته ام پشتونه ای - "حقانیت" تو در سمتی که میروی - باشد ؛ پشتوانه معنوی (در اصل تئوریک) هوادار سرشناس یک سازمان انقلابی که به خاطر مبارزات تاریخی و کنونی اش بقدر کافی پر آوازه و محبوب خلق های ایران و منطقه است، چه غنیمتی بزرگست که تو آنرا حاصل کردی و دست آویزت نمودی تا آنرا به هواداران و یا دوستان سیاسی ات بفرستی که در سایت نیمه دولتی "**گفتمان**" به نمایش بگذارند !

سارا جان نیکو، آیا نوشته ات نقطه نظر سازمان پر افتخارت بوده ؟

آیا در همین رابطه تایید "سازمان چریک های فدایی خلق ایران" را با خود داشتی که چنین نوشتی ؟ و هر گاه این نکاشته ... نقطه نظر شخص خودت در مورد ملالی جان جویا باشد (که به یقین هم اینطور بوده هست) ، در اینصورت میشود گفت که شما یک هوادار دورمانده از نظر اعضای اصلی سازمان و خط مشی آن هستید (شاید من دچار اشتباه نشده باشم اگر ابراز نظر نمایم که سازمان چریک های فدایی خلق ایران با این شیوه ارزیابی که شما از جویا جان بیرون داده اید (با متن آن) موافق نباشد .

سارا جان، آیا به من و یا به ما ها که بگفته جویا جان جوان ، نسل پیشینیم ، سالخورده ، دور از شرایط ، دور از کشور و دور از مردم ؛ "خسته از مبارزه و نا امید از امکان بوجود آمدن تغییرات واقعی ... "؛ مهربانی کرده گفته می توانید که نظرات خودت در باره "قهرمان جویا" با نظرات اشرف دهقانی، و صمد بهرنگی که آوردن نام با عظمت آنان از زبان "قهرمان" جویا شما را بردوش موج سرکش عاطفه سیر داد ، یکسان است ؟

آخر شنیده ام که کمونیست ها به هیچ کتابی - ولو آثار پیشوایان پرولتاریا مارکس و انگلس ولنین و استالین و مائو - بوسه نمی زنند ، مگر راه نشان داده از جانب آنان را با فدای کردن جان های

شیرین شان می پیمایند . خانم جویا که نه تنها کمونیست نیست ، بلکه راه آنان را نیز در بیانیه هایش نفی کرده است . بوسیدن کتاب یک کمونیست شناخته شده در سطح جهان از طرف یک ضد کمونیست در عمل و نظر، شناخته شده در سطح جهان ، آیا از سبب جلب نظر سیاسی شما و سازمان شما بخاطر حمایت معنوی از وی در برابر دشمنان و ، [\(\(نسل پیشین خسته از مبارزه و ناامید از امکان بوجود آمدن تغییرات واقعی \)\)](#) نبوده است ؟

سارا جان نیکو، قدری دقت کنید ، شما به مثابه یک کمونیست در اخیر نوشته تان که آنرا به سایت نیمه دولتی گفتمان به نمایش گذاشته اند، جرئت نکرده اید از کمونیسم حرفی به میان آرید . فقد به همین اشارات بسنده نموده اید که [" به امید اتحاد مبارزاتی تمامی زنان و مردان انقلابی ایران و افغانستان برای رسیدن به جامعه ای عاری از ستم و تبعیض و استثمار ! "](#) - چه می شد اگر در عوض می نوشتید :

[به جامعه کمونیستی بی طبقه که عاری از هر گونه ستم و تبعیض و استثمار !](#)

[سارا جان!](#) کدام ملاحظه سبب شد که از نوشتن مقوله کمونیسم خود داری کنید ، اما ببینید مهمان (جویا جان) در بزرگترین کشور امپریالیستی جهان پروای مهماندار و میزبانان امپریالیستی و اعضای سیا اشرا نداشته بر کتاب های یک کمونیست ، که امپریالیزم حاضر است ملیون دالرش را خاک و دود کند، ولی حاضر نیست نامی از وی در رسانه هایش ببرد - مگر به بدی، در حضور چشمهای پت و پنهان الکترونیکی اش بر کتاب های چنین کمونیستی بوسه می زند . این چه معنی می دهد . از دید یک کمونیست واقع بین، این بعلاوه که وی احساس مصونیت می کند رشوه ایست که برای شما و سایر هواداران سازمان تان میپردازد . ما افغان ها به کسانی که هدفمندانه طرف مقابل شانرا ستایش می کنند می گویم : اورا ببین که چطور که به شنونده حرف هایش "رشوه کلام" می دهد .

جویا جان ، هم به شما (و هم بزعم خودش به سازمان شما) با سخنان "آتشین" اش، با بوسه زدن بر کتاب دست داشته اش ، در اصل " رشوه کلام" و " رشوه ادای احترام" به شما داده است . در عوض شما هم غیر مسئولانه در ستایش از وی برخاسته و به تعریف از آن "قهرمان"، نا آگاه از بتن و متن و عمق سیاست های امپریالیستی که به سادگی از [اوباماها](#) "مهاجر تیره رنگ" (بر خلاف نظر فیدل کاسترو که فرموده بود " در امریکا هیچگاه یک سیاه پوست رئیس جمهور شده نمیتواند ") رئیس یک دولت بزرگ دنیا ساخته است ؛ پرداخته اید . این داد و ستد معنوی و عاطفی (نه انقلابی) میان شما و جویا جان در آن تالار، مردم ما، بخصوص قشر روشنفکر جوان را که در فکر آزادی کشور در تکاپویند، در رابطه با کار های جویا جان و مشی سازمانی خود تان دچار توهم و سر درگمی می سازد . ما که پیریم و از کشور دور ، اما زمان و فراز و نشیب روزگار بما طوری آموخته که ورق دست داشته امپریالیسم را از پشت آن بخوانیم،

واهداف پلیدش را از اینهمه هیاهوی و سر و صدا در باره جویا جان ها و گنجی ها و خانم عبادی ها و امثال شان در جهان افشا سازیم .

اگر جویا جان در باره بوش و کار کرد هایش نقدی داشته ،اگر در رابطه با اشغال کشورش در اینجا و آنجا صحبتی کرده، اگر از کشتار مردمش سخن بر زبان جاری ساخته ، از شنیدن چنین حرف ها در قلب امپریالیسم امریکا، که تئوریسین های بی عمل و خنثی، چون مرتضی محیط در تالار های مجلل آن، در **CNN** معروف آن، در **BBC** مشهور آن، حتی در رادیوی لفاظ افغانی آن، یعنی رادیوی آقای خطاب (با پیشینه خلقی و هم اکنون قرار گرفته در خدمت سرمایه) داشته اند، که صد بار شدیدتر و زننده تر و رساتر و شفافتر از لحن جویا جان، به نقد از امپریالیسم پرداخته اند؛ شما نباید دچار هیجانات سازمان پرستی خرده بورژوازی شوید .

سارا جان نیکو ! شما آیا آگاه نبودید و اصلاً به خودتان زحمت ندادید که یک بار به اینترنت مراجعه کرده سایت جویا جان را پیدا نموده آنرا مطالعه میکردید . به سفر هایش در کشور های امپریالیستی، و به سفر خرج هایش (هزینه راه و هتل و گشت و گذارش در این شهر و آن شهر اروپا و امریکا و...) از این کشور به آن کشور، از این قاره به آن قاره، و از این طرف زمین به آنطرف زمین می اندیشیدید و از تسهیلات و آسانگری های پولیس بسیار زیاد سخت گیر کشور های امپریالیستی که در افغانستان دسته های سربازان شان بدون کدام هراس از پیگرد های قانونی به کشتار مردم فقیر و بیچاره ما بنام طالب مشغولند، در قسمت ویژه دادن به جویا جان که "تحت پیگرد بنیاد گرایان و شاهد هم القاعده قرار دارد" فکر می کردید . به همین هایی که در برابر افغانی ها و ایرانی های پناهنده و مهاجر با چه خشونت و بی ادبی رفتار می نمایند ؛ از خود تان سوال می کردید که آیا از یک زن، از یک دختر مبارز ضد تجاوز امریکا و یاران و هم پیمانانش در کشور امپریالیست هایی که در زادگاه اش سربازان خود را برای قتل و کشتار مردم بی دفاع و بیچاره، و زندانی کردن و شکنجه نمودن زن و مرد و تجاوز بر زنان و مردان در زندان های تحت حاکمیتش می فرستند ، چگونه چنین پذیرایی صورت میگیرد، و چرا مدال های آماده کرده شده را بر روی سینه اش نصب میکنند و پول نقد دالری ، یورویی ، پوندی و ...، مدال های داده شده را به حساب بانکی اش می فرستند. و چگونه زنان مشهور جهان (اگرچه به ظاهر امر هرمند اند ، مگر بخاطر ثروت های ملیونی و ملیاردی خود در نظام های امپریالیستی کشور شان جایگاه شایان توجهی دارند) چون گل وی را می بویند و در آغوشش می کشند و دست نوازش و عطوفت بر سر و رویش می کشند و قهرمان قهرمانانش میخوانند. **هیرلی سوانگ** ستاره پر آوازه و سکسی سینما و **انجیلا جولی** هنر مند مشهور و سکسی هالیوود که هر دو چون سایر همردیفانشان از سرمایه داران بزرگ امریکایی اند که با استفاده از زیبایی و ادا و اطوار سکسی و رامبویازی هایشان مردم این کشور (امریکا) و سایر کشور هارا ، معتاد به تماشای فلم های چند صد ملیونی خود ساخته اند و از برکت جیب آنان ملیارد شده و برای اغفال توده ها در برخی از

کشور های " جهان سومی " سفر های حسن نیت هم نموده و کم بیش از پول های همان مردم برای بینوایان و فقیرهایشان صدقه و خیرات هم میدهند ؛ اینان نیز دست مهرآمیز و پر برکت شانرا بر سر و روی جويا جان می کشند، تا در نزد هواداران فلم هایشان وی را قهرمان ضد بنیادگرایان جلوه دهند و آنان هم در وصف جويا جان به تبلیغ بپردازند.

سارا جان نیکو ! در میان اعضای " حزب خلق و پرچم " (همتای آن در کشور شما حزب توده ایران و اکثریت) کم نبوده و نیستند جنایتکارانی که دست شان به خون هزاران انسان بی گناه این مرز و بوم آلوده است . یک تن از اینان شخصی است که درجه به اصطلاح "اکادمیسین" را در زمان اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی از دولت پوشالی زیر فرمان سوسیال امپریالیزم روس گرفته است . این شخص از برجسته ترین اعضای حزب پرچم و نزدیکترین کس به ببرک کارمل و بعداً به نزدیکترین فرد به داکتر نجیب رئیس خاد (ساواک و واواک در ایران) بعداً رئیس دولت پوشالی زیر فرمان روسها بود . نام این شخص **اعظم سیستانی** است و در عین اینکه دارای صلاحیت های چشمگیر در آن حزب مزدور بود ، **عضو برجسته " شورای عالی انقلابی " دولت پوشالی نیز بود، که بر پای مصوبه اعدام های دسته جمعی و کشتار های بهترین فرزندان مبارز و آزادیخواه ، دموکرات و کمونیست افغانستان در زندان ها امضای می کرد .** این خاین ملی که یکی دو مشاور روسی را در پهلوی خود داشت در صدها مقاولات و قرار داد های اسارتبار بین افغان – شوروی و اقمار آن کشور متجاوز امضاء کرده است. وی از جمله کسانی بود که در مکروریان های کابل با اعضای بلند پایه **حزب توده ایران** رابط تنگاتنگی داشت. لطفاً بروید به سایت ملالی جان [malalaijoya.com] و لحظه ای زحمت مشاهده آنرا پذیرا شده، ببینید که دو و یا سه نوشته ای که این خاین ملی و جنایتکار در وصف جويا جان نوشته و "قهرمانی" های وی را به شیوه **عجیبی ستوده ؟** « از ملالی جويا این قهرمان زن افغان به دفاع برخیزید ! » ، مضمون دومی این قاتل « شیرزنی از دیار فریدون دادگستر و از تبار کاوه آهنگر » مدتهاست که آذین آن سایت شده است { این نویسنده مکار و نابکار، همین ستایش نامه ها را در زمان سلطه امپریالیزم روس بر افغانستان، برای ببرک کارمل و برای داکتر نجیب رؤسای دولت پوشالی و در ستایش از صاحب و سردار و بادار آنوقته اش لیونید پرژنف و دارو دسته روسی اش رقم می زد. } این سوال همیشه درمیان است که : **((آیا جويا جان این جنایتکار را تا کنون نشناخته ؟))** در هیچ صورتی نمیتواند چنین باشد . او اگر این جنایتکار مشهور " حزب دموکراتیک خلق " را شناسد ، خود و خط دهندگان و حمایتگران اشرا هم نشناخته ، بنیاد گرایان را هم نشناخته است. هرکسی در این کشور دو روزی سیاست کرده باشد - ولو آماتورانه - اینرا به نیکویی میداند که جويا جان ، **اعظم خان سیستانی** را آنطوری که مبارزین آگاه و مردم " نا آگاه " ما هم می شناسند ، **وی نیز می شناسد .** پس چرا نوشته ها و تمجید ها و ستایش ها این تبهکار قلم بدست را زیب و زینت و آرایش سایتش ساخته است .

سارا جان، بیایید به خودتان و سازمان مبارزتان برگردیم، اگر عمویی ها، طبری ها، کیانوری ها و سایر قلاذه بگردنان روسی و یا جنایتکاران رژیم جمهوری شلاق و تازیانه و مثله و تجاوز و شکنجه و زندان، مثل خلخال و امثالهم نوشته ای در ستایش از اشرف دهقانی بیرون بدهند، آیا اشرف دهقانی سایت خودش را با ستایش نامه چنین جاسوسان و جنایتکاران رنگین و آذین می سازد؟. بگذار منکه یکی از هواداران گذشته و کنونی این نماد مبارزه و مقاومت کمونیست های ایران و، حتی با روشنی میتوان نوشت نماد کمونیست های منطقه و بالاتر از آن، هستم، هرگاه، قرار باشد هزار بار این مبارز نستو و متفکر را با شکنجه بکشند و باز زنده اش کنند و باز ...، حاضر نمی شود نوشته چنین آدم های رسوا و خاین به مردم و جنایتکار و قاتل و جاسوس های شناخته شده امپریالیسم را در سایت پدرخشش منعکس سازد. نه تنها بازتاب نمی دهد، بلکه چنین نگاشته هایی را با قلمی به برندگی تیغ هزار دم اش، شقه شقه می کند و به باد هوا می سپارد.

سارا جان نیکو، اگر زمان یاری کرد و چانس آوردی، صحبت دوباره با جویا جان دست داد، لطف کرده از وی بپرس که چه رازی در بین است که نگاشته های این خاین ملی و قاتل مردم را از سایت "وزین" و "نازنین" اش برنمیدارد. جویا جان میداند که به پیروی از این عضو کمیته مرکزی پرچمی ها (اعظم خان سیستانی) طیف وسیع یی از طرفداران حزبی وی که مدتهاست خودشان را برای فروش به امپریالیزم امریکا جمع و جور کرده اند و شماری از آنان هم از چند سال پیش بدینسو افتخار خدمت به ماشین جنگی و تبلیغاتی امریکا و هم پیمانانش را به چنگ آورده اند، همگی شان دست بدست هم داده راجع به کارکرد های "قهرمانانه" جویا جان می نویسند. و این تبلیغ باصرفه و بی خرج و بی هزینه است. تبلیغ مفت و رایگان از طرف قلم بدستان مزدور روس.

اشرف دهقانی را تا به امروز کسی ندیده که چه شکل و سیمایی دارد و در کجا زندگی می نماید. حالا جویا جان بفکر دیدار با ایشان افتاده تا اگر بتواند نوشته ای تاییدی و صحبتی در جهت کارها و فعالیت داخل و خارج از کشورش، از وی بدست آرد. و اگر کدام فوتوی یکجایی هم با ایشان بتواند بگیرد، و آن فوتو را در سایتش بگذارد و یا در نشریه دلخواهش بدست نشر بسپارد، چه بهتر.

جویا جان که با این عمر کمش تجربه صحبت سیاسی (دپلماتیک) با نخبگان بلند پایه امپریالیسم را کسب کرده است، به روشنی میداند و آگاه است که اشرف دهقانی از چه شهرت و از محبوبیتی در ایران و افغانستان و منطقه برخوردار است. و از چه تجارب مبارزاتی پر بار و گرانبها و از چه پیگرد و استتاق (بازجویی) و شکنجه و زندان و فرار سرفرازانه از زندان، و از

چه دانشی سیاسی مبارزاتی در خور توجه برخوردار است و در تمام زندگی پر بار مبارزاتیش سرمویی لغزش ولرزش از خود بروز نداده است. جویا جان ما مرتکب مدهشترین نوع لغزش سیاسی (رفتن به طویله ساخته شدهٔ امپریالیسم زیر عنوان به اصطلاح افشای بنیادگرایان و جنایتکاران بواقع مشهور شدن و سر زبانها افتادن و به خارج مسافرت کردن و مدال گرفتن و ...) شده است. از همین سبب به خیال خام تایید از جانب " چریک های فدایی خلق ایران " و اسطوره مبارزه و مقاومت آنکشور، سر نازنین اشرا فرود آورده و با همان لبانی که روی زنان سیاسی مشهور و معروف و مطرح وابسته به قشر بالایی بورژوازی امپریالیستی امریکا و اروپا را بوسیده، با همان لبان کتاب های اشرف دهقانی را - در برابر دید همان حمایتگران ضد کمونیستی اش - غرق بوسه ساخته است!!؟؟

جویا جان به ما مسن ها { منم هم که پنجاه و چند سال دارم و خودم را شامل همین مسن ها میدانم که از طرف هواداران و گردانندگان خط " مبارزاتی جویا جان مثل مصباح صاحب ، در این سایت و آن سایت، دو و دشنام میشنویم، تحقیر و توهین میشویم و ریزه خور و عامل امپریالیسم خوانده میشویم، جبون و ترسو و دور از کشور و شرایط آن قلمداد می شویم }، حالا با لحن ملایمتر از لحن مصباح صاحب که در اصل همان دو و دشنام و توهین و تحقیر استادان جویا { مثل

« فرسوده و سست عنصر ، لفاظ و بی عمل، چپ های ماهیتاً راست، کم ظرف، بی شخصیت،

با عقده، خود کم بین، و.... » { را در خود پنهان دارد " نسل پیشین خسته از مبارزه و ناامید از امکان

بوجود آمدن تغییرات واقعی " که " تلاش میکنند " مرا " به سکوت و تحمل وادارند " خوانده شده ایم!

سارا جان نیکو عمر عزیزت دراز و پر بار باد!

سارا جان! دخترم درپوهنتون (دانشگاه) همین کلفرینا محصل و دانشجو است او مثل شما از هواداران سازمان چریک های خلق ایران و صمد بهرنگی است که نوشته های وی را به زبان انگلیس خوانده، همچنان اشرف دهقانی او بخاطر جویا جان بسیار متأسف است که چرا درپارلمان افغانستان اشتراک ورزیده و همچون فوتو هایی را با نماینده های سیاسی - فرهنگی سرمایه داری جهانی برداشته و جایزه آنان را با خوشرویی پذیرفته است. فوتو های جویا جان را با نماینده سیاسی - فرهنگی امپریالیسم از روی سایتش بر داشته و آنها را بر روی صفحات پائین این یاد داشت جابجا کرده است. شاید شما را از نزدیک دیده باشد. از من خواست چیزی ننویسم که موجب آزرده گی خاطر وی و یا ملالی جان جویا شود. من به سر نازنین شما سوگند یاد میکنم که این چند سطر را که خدمتت پیشکش کردم، نه ایراد است. و نه نقد بر نوشته احساساتی شما که آنرا در سایت طرفدار دولتک دست کاری شده استعماری در کشورما، یعنی سایت " گفتمان "

خواندم، و عمیقاً دچار تأسف شدم . و نه از برای ناراحتی خودت و یا سازمان پر افتخاری که با آن ارتباط ارگانیک داری و یا هوادار آن هستی، نوشته شده، و نه از برای ناراحتی جويا جان . مرام از آن این بوده که نقطه نظر خود را در دیدرس شما بگذارم تا متوجه شوی که با چنین تایید و ستایش شتابزده و عاطفی ، که منشأ تفکر روشن فکر خورده بورژوازی داشته، نه سرچشمه شفاف مبارزه طبقاتی بر مبنای آموزش زرین پیشوایان طبقه کارگر، یعنی مارکس، انگلس، لنین، استالین، مائوتسه دون . (من خود به مارکسیسم - لنینیسم - مائوتسه دون اندیشه باورمندم)؛ دچار چه اشتباهی در زمینه شده یی .

از هوادار جويا جان (مصباح صاحب) هم تقاضا دارم با خواندن این نگاشته هرچه دو و دشنام بلد است نثارم کند. به امیدی روزی که متوجه اشتباهش گردد. دو و دشنام هایش را پس بگیرد و اجازه ندهد که جويا جان بیش از این بطرف پرتگاه گام بردارد .

با عرض حرمت

زنده باد وحدت راستین و سازنده مبارزین واقعی افغانستان با مبارزین ایران و در پیشا پیش
 آنان "سازمان چریکهای فدایی خلق ایران" !
 درود های گرم بر آنانی که با انتقاد سازنده از خود از انحرافات اپورتونیستی
 وریزیونیستی گسست می نمایند !
 مرگ بر اپورتونیسم ، ریوزیونیسم و اشکال تسلیم طلبی !





آقای Eros Cruccolini رئیس شهر فلورانس اعطای جایزه به ملالی جویا را اعلام نمود



رئیس شهر فلورانس اعطای جایزه به ملالی جویا را اعلام نمود. Cruccolini



وزیر خارجه ایتالیا Maximum D'Alema و ملالی جويا



ملالی جويا با Martin رئيس ايلت تسكنی ایتالیا و خانم Pollastrini وزیر فوايد عامه ایتالیا.



مدال طلایی، تقدیر نامه و ۲۵ هزار دالر تقدیم گردید
به تاریخ ۱۸ می ۲۰۰۶، «بنیاد یادبود از ۱۸ می» در کوریای جنوبی، جایزه سالانه‌اش به نام «جایزه گوانگجو
برای حقوق بشر» را به ملالی جويا اهدا نمود.



جويا بعد از دریافت جایزه شجاعت در لندن





هنرپیشه هالیود هیلری سوانک بعد از تقدیم جایزه به ملالی جويا به وی تبریک میگوید.



جویا با Bob Geldof آهنگساز، آوازخوان و فعال سیاسی ایرلندی



تمامی حضار در مجلس به استقبال از ملالی جویا به پا ایستاده و با کف زدن های ممتد از وی استقبال کردند.



جویا با Waris Dirie مدل سومالیایی و سفیر خاص ملل متحد



جویا با Bob Geldof آهنگساز، آوازخوان و فعال سیاسی ایرلندی



جویا با جمعی از هوادارانش در برلین



جویا در حال ایراد سخنرانی بعد از دریافت جایزه

گزارش تلویزیون آریانا



تمامی حضار در مجلس به استقبال از ملالی جویا به پا ایستاده و با کف زدن های ممتد از وی استقبال کردند.



جویا با Catherine Deneuve فلم پیشه فرانسوی



جویا با کاسپاروف قهرمان شطرنج جهان و رهبر اپوزیسیون روسیه



جویا با Waris Dirie مدل سومالیایی و سفیر خاص ملل متحد



جویا با جمعی از هوادارانش در برلین



ملالی جویا و لویس کیپس عضو کنگره امریکا از حزب دموکرات



ملالی جويا و معاون وزير خارجه ایتالیا



ایمابونینو وزیر امور بین المللی و ارو پائی ایتالیا و ملالی جويا



ملالی جویا و لویزا موگانتینی معاون پارلمان اروپا یک تن از قصابان زن و مرد طفل و جوان ولایت هلمند و سلیر مردم سر زمین اشغال شده تو سطر فقای همین مدال دهندگان به ملالی جان جویا



شهر فلورانس جایزه سالانه حقوق بشر را به ملالی جویا اهدا نمود



به تاریخ ۲۳ جولای ۲۰۰۷ طی مراسمی در شهر فلورانس مرکز ایالت تسکنی ایتالیا، جایزه سال ۲۰۰۷ d'Oro Giglio (گل طلایی) به ملالی جویا اعطا گردید.

این جایزه از معتبرترین جوایز حقوق بشر در ایتالیاست که از جانب شورای ایالتی و شهرداری شهر فلورانس همه ساله به پاس خدمات شخصیت هایی که بیشترین تلاش را بخاطر حقوق بشر و کسب آزادی های مدنی انجام داده باشند داده میشود. امسال شورای رهبری این ایالت تصمیم گرفت که این جایزه به ملالی جویا و شکریه بارکزی مشترکا داده شود.

در مراسم اعطای جایزه Eros Cruccolini رئیس شورای شهر فلورانس و Leonardo Domenici شاروال این شهر شرکت داشتند. جایزه گل طلایی از جانب رئیس شورای شهر به ملالی جویا تقدیم گردید.

پیام وزیر خارجه ایتالیا نیز در این گردهمایی قرائت گردید که در آن وی تعلق گرفتن جایزه به دو زن افغان را تبریک گفته خدمات آنان در راه حقوق بشر مردم افغانستان را ستوده بود.

قابل یادآوریست که ملالی جویا که به دعوت هوادارانش در آنکشور عازم ایتالیا شده، طی دو هفته گذشته در شهر های روم، میلان، فلوران، ویرجو و غیره در چندین گردهمایی شرکت نموده و برای هوادارانش سخنرانی نموده

چندی قبل در چند شهر ایتالیا تظاهراتی علیه تعلیق عضویت ملالی جویا برپا شدند و نیز تا حال تعداد زیادی از اعضای پارلمان ایتالیا حمایت شانرا از ملالی جویا اعلام داشته وزارت خارجه ایتالیا را بعلت عدم اعتراض

به دولت افغانستان بخاطر تعلیق عضویت ملالی جويا مورد بازجویی پارلمانی قرار داده اند. ملالی جويا قبلا نیز بوسیله دولت ایتالیا [جایزه زن سال ۲۰۰۴](#) را دریافت نموده بود.



ملالی جويا طی نطقی این جایزه را متعلق به تمامی آزادیخواهان و مردم ستمدیده افغانستان خوانده و از جانب آنان مراتب تشکر و سپاس خود را تقدیم نمود.

جويا گفت: «این جایزه ارزش معنوی بزرگی برای من دارد و بر بار مسئولیت ها و وظایف من خواهد افزود تا قاطعانه تر از قبل علیه بیعدالتی و بنیادگرایان جنایتکار در کشورم کار و مبارزه نمایم. تشویق و اظهار همبستگی شما با کار و مبارزه من برای افغانستان آزاد، دموکراتیک و سکیولار، بیشتر مرا برمی‌انگیزد تا مصمم‌تر برای بهروزی مردم نگونبختم پیکار نمایم.»



آقای Eros Cruccolini رئیس شهر فلورانس اعطای جایزه به ملالی جویا را اعلام نمود.



آقای Matulli معاون شاروال شهر فلورانس با ملالی جویا



ملالی جويا با آقاي ماسيمو دالما Maximum D'Alema وزير خارجه ايتاليا



ملالی جويا با Martin رئيس ايلت تسكنی ايتاليا و خانم Pollastrini وزير فوايد عامه ايتاليا.



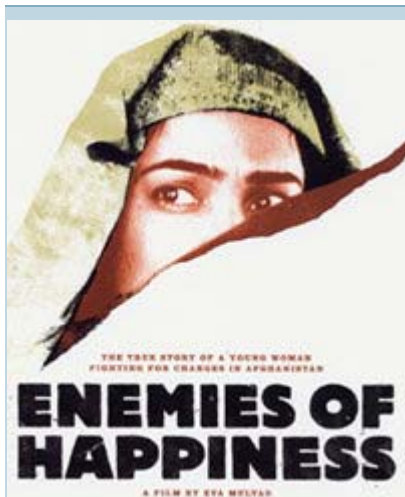
ملالی جویا در حال سخنرانی در شهر پیزا که بوسیله شورای ایالت تسکنی ایتالیا به تاریخ ۲۰ جولای ترتیب داده شده بود. به تعقیب سخنرانی جویا همه حاضران پهاخته و با کف زدن های ممتد از وی استقبال نمودند.

جویا به تعقیب دریافت جایزه مورد استقبال پرشور حضار قرار گرفت



Joya's visit to Denmark on lunching of a documentary film on her fight for freedom

November 10-16, 2006



From Nov.10 to 16, 2006, Joya was on a speaking tour to Denmark during launching of a documentary film called "The Enemies of Happiness" which has been made by Eva Mulvad, a Danish film maker. The film follows Joya during her election campaign in Farah and shows her courage and great determination in fight for freedom and democracy.

The film had huge impact on the viewers and won the "Silver Wolf Award" in the International Documentary Film Festival Amsterdam in early Dec.2006. It is also selected for "Sundance Film Festival 2007" in the USA.

Joya had many meetings, speeches, press conferences and media interviews during her short stay in Denmark here we present a photo report of this tour.



November 16: Joya in the Danish Parliament.



Joya delivers speech in the opening ceremony of the documentary film in the National Museum of Denmark.



Joya answers the questions of participants in the event in National Museum of Denmark.





November 11: Joya being interviewed by DR2 TV in Denmark



Program on Joya in the TV2 of Denmark

Interview with Malalai Joya in the DR2 TV in
Denmark
(Nov.11, 2006)

[WMV](#) - 14.2MB - 9:42Min

